یاد رفقای شهید غلام حسین اهرابی و مسعود فرهمند گرامی باد

۲۲ خرداد امسال چهار سال از شهادت پر افتخار رفیق شهید غلامحسین اهرابی یکی از فرزندان دلاور خلقهای قهرمان ایران یکی از رهروان نستوه مارکسیسم ـ لنینیسم و یکی از کادرهای برجسته "حزب رنجبران ایران" میگذرد.

رفیق اهرابی در سال ۱۳۲٤ در تهران دیده به جهان گشوده و تحصیلات خود را در رشته فیزیک در دانشگاه تهران به اتمام رسانید. در دوران تحصیل در مبارزات دانشجویی سالهای دهِ چهل شرکت فعال نموده و در جریان اعتصاب دانشگاهها و برگزاری مراسم ننگ هفت جهان پهلوان تختی نقش سازماندهی داشت. بعد از دستگیری عده‌ای از فعالین و سازماندهندگان مبارزات این دوره وی تصمیم به ترک ایران گرفته و در سال ۱۳۵۲ راهی شهر برلین گردیده و بلافاصله به عضویت کنفدراسیون جهانی در آمده و مبارزات خود را بر علیه رژیم فاشیستی و وابسته شاه ادامه داد. وی که قلبش برای مارکسیسم ـ لنینیسم و آرمان والای زحمتکشان می طپید بعنوان مبارزی پیشرو بعضویت "سازمان انقلابی" در آمد. او یکی از انقلابیونی بود که ایمان کامل داشت بدون مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر با رژیم شاه و در صحنه اصلی مبارزه نمیتوان دشمن طبقاتی و ملی را سرنگون ساخت از اینرو با اوجگیری مبارزات مردم و علیرغم وجود خطر دستگیری و اعدام با عده ای از همرزمان خود به ایران بازگشت ولی عمر مبارزاتیش در این دوره چندان طول نکشیده توسط دژخیمان ساواک دستگیر شده و راهی شکنجه گاههای رژیم منفور پهلوی گردید.

در بهمن ۵۷ همراه با مبارزین دیگر به همت مردم قهرمان ایران از زندان آزاد گردیده و با شور شوق انقلابی به مبارزه خود در "سازمان انقلابی" ادامه داده و بنا بر وظیفه سازمانی راهی شمال ایران میشود.

وی که آگاهی کامل داشت که تنها سلاح پرولتاریا در پیکارش برای کسب قدرت سیاسی محو کار مزدوری و استثمار انسان از انسان تشکیلات سیاسیش میباشد ازاینرو معتقد بود که گردانهای مختلف وابسته به این طبقه باید یکی شده و در این روند مجموعه طبقه کارگر را متحد گردانند، لذا با تشکیل "حزب رنجبران ایران" از وحدت سازمانها و گروههای مختلف به عضویت این حزب در آمد.

رفیق اهرابی یکی از نمونه های خوب آمیزش با مردم بود. با روحیه متفرعانه روشنفکران خرده ـ بورژوا که خود را مرکز عالم دانسته و با نظر تحقیر به توده ها نگاه میکنند با انرژی تمام مبارزه کرده و خود نمونه برجسته داشتن روحیه متواضعانه آموزش از توده ها و تجارب آنها و سپس انتقال مجدد این آموخته ها در سطحی بالاتر به توده ها بود.

رفیق بعد از شکست مبارزه مسلحانه حزب رنجبران ایران در کرگان عازم مشهد میگردد وبا وجود خطرات زیاد همچنان به مبارزه انقلابی خود آنچنان که شایسته یك کمونیست انقلابی است ادامه داده و ـ همچنان بی هراس از مرگ و قربانی در صحنه اصلی مبارزه باقی مانده وبه سازماندهی مقاومت ومبارزه رفقای خود میپردازد. هوشیاری انقلابی رفیق و آگاهیش در تلفیق درست کار مخفی وعلنی باعث میگردد بسیاری از رفقا و خانه های حزب رنجبران در مشهد قبل از هجوم پاسداران جهل و سرمایه خمینی به این خانه ها جان سالم بدر ببرند.

رفیق اهرابی در سال ۱۳۶۲ در مشهد دستگیر میگردد ولی بعلت هوشیاری رفیق، رژیم قرون وسطائی مذهبی اطلاعات بسیار اندکی آن هم در مورد فعالیتهای رفیق در خارج از کشور دارد. بعلت ـ بدست آمدن اطلاعات بیشتر توسط مزدوران ساواما پرونده این رفیق سنگینتر شده و بموازات آن فشار دشمن بیشتر میگردد. در بازجوئیهائی که از رفیق بعمل آمده و همراه با شکنجه های بسیار شدید همراه است، یازده مزدور شرکت دارند و از وی میخواهند که رفقای خود را لو دهد. ولی رفیق با روحیه والای کمونیستی مقاومت کرده و لب از لب نمی گشاید، این جمله رفیق معروف است که خطاب به مزدوران جهل وسرمایه میگوید: "شما که مرا اعدام خواهید کرد بگذارید تنها پسر من بی پدر نشود". مقاومت جانانه

رفیق خشم دژخیمان خمینی را بر میانگیزد واز این رو وی را روزهای متوالی از پا آویزان کرده، ناخنهای دست و پایش را میکشند. در اثر ضربات شلاق استخوانهای پای رفیق از گوشت بیرون میزند ولی تمام این تثبیثات مذبوحانه جلادان خللی در اراده مقاومت تاآخر رفیق بوجود نمیاورد. و بالاخره در سحرگاه ۲۲ خرداد ۱۳۶۲ در دانشکده علوم توبیتی مشهد در خیابان کوهسنگی که به زندان تبدیل شده است در حالیکه لبخندی فاتحانه بر لب دارد بدار آویخته میشود و بدینسان دفتر زندگی پر بار و افتخار آفرین یك کمونیست مقاوم و استوار بدست دشمنان طبقاتی و ملی ان بسته میشود.

رفیق شهید مسعود فرهمند یکی از همرزمان و همفکران رفیق اهرابی بود. وی نیز مانند رفیق اهرابی در مبارزات دانشجوئی کنفدراسیون در خارج از کشور در شهر برلین غربی شرکت داشت و به "سازمان انقلابی" پیوست. با اوج گیری مبارزات مردمی وقیام پر شکوه مردم ایران به وطن بازگشت و در این مبارزات تا سرنگونی رژیم منفور پهلوی شرکت داشت. وی نیز به "حزب رنجبران ایران" پیوست و به خدمت رنجبران و زحمتکشان ایران درآمد. در سال ۱۳۶۲ توسط دژخیمان منفور خمینی دستگیر وپس از مقاومت پر شکوه و حماسه آفرین در زیر شکنجه های مزدوران جهل و سرمایه در تابستان ۱۳۶۲ در زندان اوین تهران همراه با دیگر مبارزان راه آزادی ایران تیرباران گردید.

یادشان گرامی و راهشان جاویدان باد

"جمعی از دوستان شهدا غلامحسین اهرابی و مسعود فرهمند"
۲۲ خرداد ۱۳۶۷